

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۲۳

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال هجدهم، شماره ۷۲، تابستان ۱۴۰۱

DOR: [20.1001.1.20080514.1401.18.72.7.2](https://doi.org/10.20080514.1401.18.72.7.2)

واکاوی سه مقام عرفانی «توکل»، «صبر» و «توبه»

با تکیه بر تفسیر «مخزن‌العرفان» از بانو امین و «فتوحات مکیه» ابن عربی

نانسی ساکی^۱*

چکیده

عرفان در لغت به معنای شناختن و دانستن بعد از نادانی و شناسایی و آگاهی و درایت است و در اصطلاح به مفهوم معرفت خدا و عبادت عاشقانه وی و دریافت شیوه‌های آن است. در میان تفاسیر قرآن کریم، به آثاری برمی‌خوریم که مفسر در آن‌ها رویکرد عرفانی داشته و آیات قرآن کریم را از منظر عرفانی تفسیر نموده‌است. یکی از این مفسران سیده نصرت‌بیگم امین است که در تفسیر قرآن کریم به جنبه‌های عرفانی توجه داشت. در مقاله حاضر تلاش شده‌است تا با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به‌ویژه آثاری که در زمینه عرفان و تفسیر قرآن کریم هستند، به بررسی دیدگاه‌های عرفانی بانو امین و ابن عربی پیرامون سه مقام عرفانی توکل، صبر و توبه در قرآن کریم پردازیم تا جنبه عرفانی غالب بر شخصیت ایشان بیش‌ازپیش آشکار گردد. از بررسی دیدگاه‌های ایشان چنین استنتاج گردید که بانو امین به توکل عملی، صبر بر سختی‌ها و توبه‌ای که در راستای ایمان باشد بسیار اهتمام دارد و تفسیری که بر آیات مربوط به این مفاهیم ارائه کرده حاکی از صبغه عرفانی شخصیت و اثر وی می‌باشد. ابن عربی به‌عنوان مؤسس عرفان نظری بیشتر بر مسائل سلبی و ایجابی توکل، صبر و توبه تأکید دارد.

واژگان کلیدی:

ابن عربی، بانو امین، توکل، صبر، توبه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. *نویسنده مسئول:

پیشگفتار

عرفان، یعنی شناختی که از دریافت‌های باطنی، بر اثر سیروسلوک و مجاهدت با نفس یه‌دست-می‌آید. بشریت از روزی که خود را شناخته، برای شناخت جهان و پی‌بردن به راز آفرینش، تلاش خستگی‌ناپذیری را آغاز کرده‌است و این تلاش همچنان ادامه‌دارد. او در جستجوی این است که هستی چیست، از کجا نشأت گرفته‌است و به کجا می‌رود و هدف نهایی آن چیست؟ در این مسیر مکتب‌های مختلفی به‌وجود آمده‌اند. رشته‌های مختلف فلسفه نیز از همین راه پدید آمده‌اند. از جمله: مکتب مشاء و مکتب اشراق که از دومی مشرب تصوف و عرفان باقی‌مانده‌است. «اساساً اهل عرفان برای درک حقایق از جمله حقایق قرآنی روش بحث و استدلال را کنار گذاشته (نه این که منکر آن باشند) و به روش دریافت‌های باطنی و ذوقی روی آورده‌اند و آیات قرآن کریم را تفسیر و تأویل می‌کنند و تلاشی برای اثبات نظرات خود ندارند و صرفاً آن را به دریافت‌های ذوقی خود مستند می‌کنند، مثلاً محی‌الدین عربی می‌گوید: همان‌طور که تنزیل اصل قرآن بر پیامبر (ص) از پیش خداوند بوده، تنزیل فهم قرآن نیز بر قلوب مؤمنان از ناحیه او صورت می‌گیرد؛ لذا مفسران علوم رسمی این روش را بیشتر «تفسیر به رأی» می‌دانند» (معرفت، ۱۳۷۰: ۲/ ۳۳۷). با توجه به اهمیتی که دیدگاه‌های عرفانی در مسائل دینی دارند، باید اذعان کرد که در کنار سایر رویکردهای رایج در تفسیر قرآن کریم لازم است که در پاره‌ای موارد با رویکرد عرفانی نیز به تفسیر قرآن پرداخته‌شود. در این مقاله تلاش شده‌است که به بیان و تحلیل دیدگاه‌های بانو امین و ابن عربی در مورد سه مقام عرفانی «توکل»، «صبر» و «توبه» در قرآن کریم پرداخته‌شود؛ بدین منظور ابتدا به تعریف «عرفان» در لغت و اصطلاح، شناخت‌نامه بانو امین و ابن-عربی و سپس معرفی سه مقام عرفانی «توکل»، «صبر» و «توبه» پرداخته‌شده و در نهایت با استناد به آن دسته از آیات قرآن کریم که درباره این سه مقام هستند دیدگاه‌های عرفانی آنان تبیین گردد.

پیشینه تحقیق:

درباره شخصیت و دیدگاه‌های بانو امین پژوهش‌های اندکی صورت گرفته و نگارنده تنها دو مقاله در مورد ایشان یافت که عبارتند از:
مقاله «بانو نصرت بیگم امین» از «طیبه چراغی» که نویسنده در این مقاله به‌طور کلی به بیان شرح حال و زندگی و فعالیت‌های بانو امین می‌پردازد.

«بررسی تطبیقی مراحل سلوک عرفانی از نگاه بانو مجتهده امین و ترزا آییلایی» از «عظیم حمزئیان و رضا طباطبایی عمید»، (۱۴۰۰). مهم‌ترین دستاورد این پژوهش آن است که عناصر اصلی و مراحل سلوک نزد آن‌ها اشتراکات فراوانی دارد و اما تفاوت‌های عمده‌ای ملاحظه‌نمی‌شود. تنها در زمان پیدایش حالات عرفانی، گاهی تفاوت‌هایی دیده‌می‌شود.

همانگونه که پیداست هیچ‌یک از مقالات فوق از نظر رویکرد، شباهتی با مقاله حاضر ندارند.

پایان‌نامه «مقایسه توکل از دیدگاه مولانا جلال‌الدین محمد و محی‌الدین ابن‌عربی» خانم زهراسادات صاحب (۱۳۸۹) از موارد مرتبط به پژوهش می‌باشد که نویسنده معتقد است توکل در قرآن کریم، سنت و احوال عرفانی جایگاه مهمی دارد. مولانا و ابن‌عربی نیز آن را مدنظر داشته و در آثار خود به آن پرداخته‌اند. آن‌ها هر دو بر این باورند که توکل اعتماد به خداوند است و با اعتماد بر هر چیز دیگر منافات دارد؛ یعنی متوکل بر خداوند اعتماد می‌کند و بر ابن‌باور است که کسب و اسباب به خواست خداوند عمل می‌کند. در این تحقیق علاوه بر اینکه جایگاه توکل در بیان هر یک از این دو، جداگانه تبیین شده است، در نهایت تشابه و تفاوت آن‌ها مقایسه شده است.

مرتضی شجاری (۱۳۸۶) در مقاله «نگاهی هستی‌شناختی به توبه در عرفان ابن‌عربی» معتقد است که ابن‌عربی بر مبنای وحدت وجود، تعریف صوفیان از توبه را نقد کرده است. از نظر وی هر فعلی از هر موجود - اگرچه خطا محسوب گردد - فعل خداست. نسبت دادن افعال به غیرخدا است و باید از آن توبه کرد. از آنجاکه فاعل حقیقی خداست، توبه به معنای مشهور شرک خفی است؛ زیرا لازمه آن فرض وجود گناه - یعنی فعل انسان - است که مقتضای اثبات هستی انسان در مقابل هستی خداست. پس توبه حقیقی، برائت‌جستن از استقلال در هستی و استقلال در فعل است. تایب حقیقی کسی است که رجوع وجودی عالم به حق تعالی را درک کند. اگر چه خود در حال مخالفت امر الهی باشد. یکی از اسما الهی «نواب» است و چون هر یک از اسما الهی اقتضای مظهری دارد و حق تعالی در دنیا و آخرت دارای این اسما است، عارف بالله دائماً تایب است.

سؤالات تحقیق

بانو امین و ابن‌عربی درباره مقام عرفانی توکل چه دیدگاهی داشته‌اند؟

بانو امین و ابن‌عربی صبر را بیشتر در چه مواردی مشروط می‌دانسته‌اند؟

توبه واقعی از نظر بانو امین و ابن‌عربی به چه مواردی متعلق بود؟

تعریف عرفان

واژه «عرفان» در لغت به معنای شناختن است. علامه دهخدا در تعریف «عرفان» چنین گفته است: «نام علمی است از علوم الهی که موضوع آن شناخت حق و اسماء و صفات اوست. و بالجمله راه و

روشی که اهل الله برای شناسائی حق انتخاب کرده‌اند عرفان می‌نامند». (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ذیل عرفان). اما در اصطلاح «عرفان» یعنی خداشناسی و شناخت حضرت حق تعالی» (ابن عربی، ۱۴۲۰ق: ۵۲۸). تعریف راسل از عرفان نیز این گونه است که: هرگاه احساسمان نسبت به عقایدمان شدید و عمیق شود، به آن عرفان گویند (استیس، ۱۳۷۵ش: ۲۵). به‌طور کلی می‌توان گفت که عرفان دارای دو مفهوم عام و خاص است: نخست مفهوم عام: «وقوف به دقایق و رموز چیزی است مقابل علم سطحی و قشری و سپس مفهوم خاص: «یافتن حقایق اشیاء به طریق کشف و شهود». (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ذیل عرفان). گرچه برخی قرن سوم را مبدأ تفسیر عرفانی و رمزی می‌دانند ما آغاز آن را باید همزمان با نزول قرآن دانست. دریافت‌های روحی و عرفانی از مضمون آیات الهی از همان آغاز اسلام شکل گرفته‌است. به‌تعبیر یکی از معاصران آبخخور همه معارف اسلامی و تفسیرگر همه تجارب عرفانی، چیزی جز قرآن و پس از آن، حدیث نبوی نیست. روش تفسیر عرفانی، از تلاقی تجربه عرفانی فرد با وحی الهی پدید آمده‌است و این دو در حقیقت چندان از یکدیگر بیگانه نیستند (شاهرودی، ۱۳۸۳ش: ۲۳۰). تفسیرهای عرفانی از زمان شکل‌گیری خود، تنها به‌صورت تفسیر براساس عرفان عملی بوده‌است. با گذشت زمان، عرفان وارد مرحله پیچیده‌تری به‌نام تفسیر بر مبنای عرفان نظری می‌شود. نشانه‌هایی از تفسیر نظری یا حداقل عرفان نظری در بین برخی عارفان چون بایزید بسطامی و حلاج به‌چشم می‌خورد که با مبانی نظری ابن عربی به اوج خود می‌رسد؛ تاجایی که ابن عربی را آغازگر تفسیر براساس عرفان نظری می‌شناسند (اسدی‌گرمارودی و عزیز، ۱۳۹۰ش: ۱)

شناخت‌نامه بانو امین

سیده نصرت بیگم امین در ۱۲۷۴ شمسی در اصفهان به دنیا آمد. پدرش سید محمدعلی حسینی- اصفهانی، ملقب به امین‌التجار و از تجار ثروتمند و سرشناس اصفهان بود. مادرش زهرا، دختر حاج- مهدی، ملقب به «جناب» است، که بسیار پرهیزگار و در کمک به مستمندان معروف بود (اسلامیت، ۱۳۸۹ش: ۳). والدین بانو متمکن بودند و اهتمام خاصی به تعلیم و تحصیل بانو داشتند. بنابراین وی را در پنج‌سالگی به مکتب‌خانه فرستادند و در حدیثی که می‌توانستند مقدمات تحصیل او را فراهم کردند. در حالی که در آن زمان شرایط به‌گونه‌ای بود که کمتر خانواده‌ای دختر را برای تحصیل به مکتب‌خانه می‌فرستاد (همان: ۴).

از آن‌جا که تفسیر عرفانی «مخزن‌العرفان» محور بحث این مقاله است، در معرفی بیشتر اثر باید گفت تفسیری عرفانی، فلسفی و تربیتی و به زبان فارسی است که گستره آن کل قرآن کریم را دربر می‌گیرد. ابن عربی

ابوبکر محمدبن علی بن احمد بن عبدالله حاتمی (۶۳۸- ۵۶۰ ق.) معروف به شیخ اکبر، اندیشمند، عارف و صوفی بزرگ جهان اسلام، از اولاد عبدالله بن حاتم، برادر «عدی بن حاتم» از صحابه بزرگوار است.

شواهدی در دست است نشان‌گر آن که ابن عربی از همان آغاز جوانی دارای دلی تپنده در آرزوی آنچه فراسوی جهان محسوس و مادی است و روحی تشنه حقایق غیبی و عواطفی پر هیجان و اندیشه‌ای عرفان‌جو بوده است، چنان‌که در این رهگذر جوانه‌های بینش عرفانی در درونش سربرمی‌زده و حالات و مکاشفاتی بر او دست‌می‌داده که موجب شگفتی دیگران و تحسین آنان می‌شده است.

«ابن عربی بنیان‌گذار عرفان نظری در اسلام است. از وی آثار فراوانی برجای مانده که چندصد اثر را شامل می‌شود. وی تأثیر شگرفی در عرفا و فیلسوفان بعد از خویش داشته است» (سیدموسوی، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

ابن عربی میراث‌دار یک سنت تصوف مدید در دنیای اسلامی شرقی و وارث بیش از صد سال تفکر در خود اسپانیای مسلمان بود. او به آخرین دوره پیشرفت برنهاد تصوف تعلق دارد، و در واقع به آغاز آن کمک می‌کند، اندیشه‌ای که به وحدتیه معروف است. در اندیشه وی، هدف عرفانی صوفی بر یک فلسفه یگانه‌انگاری وجودی بنا شده است. مهم‌ترین آثار ابن عربی «فصوص الحکم» و «فتوحات مکیه» است.

مقام توکل و تعریف آن

توکل به عنوان یکی از قالب‌های ارتباط و انس با خدا در تعالیم انبیا مطرح بوده است و قرآن دستور به آن را با تعبیر «فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا» (یونس/۸۴)، «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (احزاب/۳) و «عَلَى اللَّهِ فَلَيتَوَكَّلْ الْمُتَوَكِّلُونَ» (ابراهیم/۱۲) روایت می‌کند و در کنار آن با تعبیر «فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ» (یونس/۷۱) یا «عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا» (یونس/۸۵) از عملی شدن این اصل در گذر تاریخ پرده برمی‌دارد و در نهایت، به اهمیت مسئله در اسلام نیز تأکید کرده و از عینیت یافتن آن توسط پیامبر و مسلمانان صدر اسلام خبر می‌دهد: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹) توکل درباره انجام وظیفه و نتیجه عمل مطرح است و غرض از آن، زدودن پاره‌ای از تشویش‌هاست که مکلف را هدف قرار می‌دهد؛ زیرا موقع انجام کار و رسالتی، این دغدغه که «نتیجه چه خواهد بود؟» به سراغ انسان می‌آید. توکل به تشویق این پیام را دارد که اگر عمل در راستای انجام مسئولیت و اطاعت خدا باشد، خداوند نتیجه خوب را تضمین می‌کند. مطهری می‌گوید: «در توکل دو تعهد و دو عهده داری نهفته است؛ بنده به عهده می‌گیرد که در مسیر اطاعت خدا باشد و خداوند به عهده می‌گیرد که سرنوشت بنده‌اش را که به او واگذار کرده، به بهترین صورت رقم زند.» (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۷/۴۱۰) هجویری در آغاز و پایان کشف‌المحجوب ضمن توکل بر خداوند و طلب توفیق از وی عجز و ناتوانی خود در امور را بیان نموده از

خداوند می‌خواهد که ظاهر و باطنش را از آفات دورسازد و او را در نوشتن کتاب خود یاری‌رساند: «من از خداوند - تعالی - استعانت خواستم و توفیق اندر این کتاب و از حول و قوت خود تبراًکنم اندر گفت و کردار. و بالله العون و التوفیق» (هجویری، ۱۳۸۳: ۳۰ و ر.ک: همان: ۶۱۰)

توکل در لغت به معنای تکیه و اعتماد کردن است و بنابه اصطلاحات صوفیان واگذار کردن امور به خداوند است که سبب آرامش دل می‌شود. جنید گفت: توکل اعتماد دل است بر خدای تعالی در همه احوال تنها کسانی به این مقام عالی دست‌می‌یابند که مقامات و منازل دیگر را طی کرده‌باشند «ابن-منظور، ذیل وکل».

مقام توکل از دیدگاه بانو امین و ابن عربی

بانو امین درباره آیه «وَاسْتَعْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹) چنین گفته‌است: «چون عمل پیغمبر اکرم (ص) سرمشق دیگران است و نیز عفو و طلب و آموزش او. چون سه عمل تألیف قلوب مؤمنین و رقت و شفقت آن‌ها را نسبت به رسول ایجاب می‌نماید.

از آنچه در این مجال گفته‌شد به‌خوبی می‌توان فهمید که بانو امین بر جنبه عملی توکل بسیار تأکید دارند و معتقدند که آدمی باید در انجام امور خود بر مبدأ هستی توکل کند و تنها به توکل در کلام اکتفا نکند؛ چراکه توکل لفظی فایده‌ ندارد و این امر باید حتماً در عمل نیز تجلی‌یابد تا آثار آن در عروج عرفانی آدمی نیز برجای‌ماند. به عبارت دیگر وی بالاترین مرتبه توکل را در نظر دارد و بر آن تأکید می‌ورزد.

تصوف به دو رکن اعمال و احوال تقسیم‌شده و توکل جزو اعمال متتهیان آمده‌است (ابن عربی، ۱۴۲۰ق: ۱/۲۵۴). توکل مانند توحید واجد دو جنبه سلب و ایجاب است. وجه ایجابی آن رو به خدا دارد و عبارت است از بسنده کردن به خدا و اعتماد به وعده و روزی‌بخشی و کارسازی او در هر وضع و حالی از امید نبودن از خدا حتی هنگامی که هیچ امیدی نیست و به گفته ابن عربی اعتماد بی-اضطراب به خداوند هنگام فقدان اسباب و علل دنیوی و تنها از خدا (روزی) گرفتن اما وجه سلبی توکل مربوط می‌شود به هرچه غیر خداست، اعم از اسباب و وسایط یا دیگر مخلوقات و حتی نفس شخص. این جنبه سلبی، چنانکه در سخنان مشایخ آمده، عبارت است از ترک تدبیر نفس و رها کردن و تبری‌جستن از حول و قوه خویش، ناامیدی از خلق و عدم‌رؤیت خلاق ترک طاعت خدایان بسیار و درخواست نکردن از غیر خدا شکایت نکردن از هیچ‌چیز و هیچ‌کس، زیرا منع و عطا همه از جانب حق است، و خداوند را متهم نکردن قطع نظر و علاقه از وسایط و اسباب و عدم‌اعتماد بر کسب و اموال است. (همان: ۱۲۵)

مقام صبر

صبر و شفقت با دیگران نیز یکی از تکنیک‌های ارتباط انسان با دیگران است. یکی از راه‌های شفقت و مدارا با دیگران آن است که انسان در مواجهه با سخن زشت و یا عمل ناصواب دیگران توجه داشته‌باشد که هر کس برحسب اعتقاد درونی خود سخن می‌گوید و یا عملی را مرتکب می‌شود و خاموشی در برخی مواقع بهترین انتخاب برای انسان در مواجهه با دیگران است. چنانکه شیخ ابوطاهر سوار بر خر به همراه مرید خود از بازار می‌گذشت و فردی فریادزد که «آن پیر زندیق آمد». مرید خواست به سبب غیرت ارادت خود، آن فرد را تأدیب نموده و سنگی به وی بزند؛ اما شیخ او را از این کار بازداشت و او را دعوت به خاموشی ساخت و وعده داد تا در برگشت به خانقاه به سبب این خاموشی چیزی به او تعلیم دهد. شیخ در خانقاه به مرید دستورداد تا صندوقی بیاورد. شیخ گفت: «نگاه کن، از همه کسی به من نامه‌هاست که فرستاده‌اند. یکی مخاطبه شیخ امام کرده و یکی شیخ زکی و یکی شیخ زاهد و یکی شیخ الحرمین و مانند این. و این همه القاب است و نه اسم و من این همه نیستم. هر کس برحسب اعتقاد خود سخنی گفته‌اند و مرا لقبی نهاده‌اند. اگر آن بیچاره نیز برحسب عقیدت خود سخنی گفت و مرا لقبی نهاد، این همه خصومت چرا انگیختی؟» (هجویری، ۱۳۸۳: ۸۸).

گاهی صبر در برابر اعمال زشت دیگران موجب هدایت دیگران و تحسین انسان صبور می‌شود. امام حسن (ع) در کوفه بر در خانه خود نشسته بود که مردی عرب بیابان‌گرد از بادیه وارد شد و امام و مادر و پدرش را ناسزا گفت! امام به اعرابی گفت: اگر گرسنه‌ای تا نانت دهم و اگر تشنه‌ای تا آبی برایت بیاورم؛ اما اعرابی بازهم به یاهه‌گویی خود ادامه داد. امام حسن دستورداد تا غلامی یک کیسه دینار به اعرابی بدهد و از اعرابی به خاطر آنکه بیش از آن چیزی در خانه نداشت؛ عذرخواهی کرد. وقتی اعرابی این سخن امام را شنید؛ شهادت داد که امام فرزند پیامبری است که خود نمونه حلم و بزرگواری است. (همان: ۱۰۸)

«صبر» از مقامات عرفان است، صبر نشانه ایمان و استقامت مؤمن شمرده می‌شود، «و در خیر آمده- است که پیامبر را پرسیدند از ایمان، گفت صبر است و خوش‌خویی. و نیز در اخبار آمده‌است که درویشان صبرکننده هم‌نشینان خدای عزوجل باشند روز قیامت. ملاحسن کاشفی واعظ در «لب لباب مثنوی» راجع به صبر می‌نویسد «به صبر نفس پاک‌شود از چمیع الوان ظلمات و کدورات آرزوها و تمناها، و از ترک تعلقات دل صافی گردد ... و او کیمیایی است که مس وجود سالک به برکت او زر خالص گردد» (سجادی، ۱۳۷۸: ۲۵). صبر یعنی عارف در برابر ناخوشی‌های و نامایمات روزگار بردباری و شکیبایی ورزد و زبان به ناله و شکایت نگشاید. در رساله قشیریه آمده‌است: «صبر کنید در اطاعت خداوند به تن تا صابر باشید و صبرکنند بر بلوا به دل تا مصابر باشید.

صبر، عبارت است از خویشتن‌داری و تحمل شداید، بدون شکایت به کسی و خرسندی و رضا به قضای الهی (یثربی، ۱۳۶۸: ۴۰۴) مفهوم صبر و معادلات لغوی آن از قبیل حبس نفس و خودداری از

برابر امور ناخوشایند و خویشتن‌داری از ناله و شکوه و بی‌تابی در برابر حوادث ناگوار. تحقق این امر از رهگذر منع باطن و درون از اضطراب و جلوگیری اندام از حرکات غیرعادی امکان‌پذیر است. اما صبر در اصطلاح ترک شکایت از بلا به غیر خداست (انصاری، ۱۳۵۸: ۳۹). محقق طوسی درباره صبر می‌نویسد: «صبر عبارت است از بازداشت نفس از زاری کردن در برابر حوادث ناگوار، و صبر دل را از اضطراب، زبان را از شکایت و اعضای پیکر آدمی را از حرکات و کارهای غیرعادی و ناهنجار بازمی‌دارد. عالم ربانی و دانشمند بزرگ اسلامی، ملا محسن کاشانی در اثر نفیس خود به نام «المَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ» در تعریف صبر می‌نویسد: «بدان که صبر مقامی از مقامات دینی و منزلی از منازل سالکین است» (حجازی، ۱۳۷۵: ۱۱).

صبر از دیدگاه بانو امین و ابن عربی

بانو امین درباره مفهوم صبر در آیه شریفه « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ » (بقره: ۱۵۳) می‌گوید «صبر از بزرگترین ملکات حمیده و پیشرو قافله راهروان به‌سوی کعبه مقصود است و صلاة هم یکی از مصادیق صبر به‌شمار می‌رود» (امین، ۱۳۶۱: ۱/ ۱۴۱). و در تفسیر آیات «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره: ۱۵۵ - ۱۵۴) می‌گوید: پس از آن‌که مصیبات و نامایمات را شماره‌می‌نماید و مژده و بشارت می‌دهد به صابریں در مقام برمی‌آید که معرفی‌نماید صابریں را که لایق بشارت می‌باشند چه افرادی هستند؛ زیرا هرکسی لایق همه کرامت و فضیلت نیست بلکه بشارت مخصوص کسانی است که صبر آن‌ها از روی مبانی و اصل معتبر می‌باشد، پس بشارت‌بده به آن‌ها به صلوات و رحمت و لطف مخصوصی از طرف پروردگارشان، و آنان اشخاصی می‌باشند که وقتی برخورد به مصیبت و نامایماتی نمودند، فوراً روی دل آن‌ها به‌سوی پروردگارشان متوجه می‌گردد (امین، ۱۳۶۱: ۱/ ۱۴۳ - ۱۴۲).

در تفسیر آیه «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷) نیز دیدگاه خود درباره صبر را این‌گونه مطرح می‌کند: خداوند متصفین بصبر و کسانی را که در نامایمات و سختی‌های روزگار بردباری می‌نمایند ستایش می‌نماید، در این آیه انواع صبر در محسنات اخلاقی و از فضائل بشری به‌شمار می‌روند. «فی البأس» تفسیرشده به فقر و سختی امور زندگانی و الضراء هرچیزی است که به انسان ضرررساند از مرض یا فوت مال یا مرگ اولاد و غیر این‌ها و گفته‌اند تمامی نامایمات و مصیبات روزگار که تحمل آن دشوار باشد از فروع «ضراء» به‌شمار می‌رود «وَحِينَ الْبَأْسِ» تفسیر به جهاد و خوف از اعداء در جبهه جنگ شده است. در این آیات معجزانه که از معدن وحی صادر گردیده، اوصاف و محسنات یک فرد کامل از بشر را که به‌تمام معنی از جنبه روحانی، جسمانی، اخلاقی، به‌منتهی درجه کمال رسیده و حائز مقام

قرب گردیده؛ ارائه می‌دهد. کمال مرتبه روحانی بشر به این است که چشم بصیرتش به نور ایمان مکتحل گردد و به طریق «علم‌الیقین» بلکه «عین‌الیقین» بفهمد و به وجدان قلبی بیابد و گواهی دهد که هیچ موجودی مستحق معبودی و لایق مسجودی نیست مگر ذات احدی که یگانه و منزله از شریک و نظیر و مثل و ضد و نداد است. نه درمقابل حکمش حکمی و نه درمقابل قدرتش اقتداری و نه درمقابل سلطنتش ضدی، نه درمقابل اراده‌اش ندی (امین، ۱۳۶۱: ۲/۱۲۲).

همانگونه که از این سطور برمی‌آید بانو امین نیز به به صبر در برابر ناملايمات اهتمام زیادی داشت و در حقیقت تصبر و به عبارتی صبر جمیل را شایسته آدمی می‌دانست. از این دیدگاه می‌توان چنین استنتاج کرد که وی در مقوله صبر نیز بر جنبه‌های بالای آن که وارد حیطة عمل می‌شود تأکید دارد و معتقد است که صبر بر سختی‌ها و مصائب سبب عروج روح آدمی و سلوک وی در مدارج بالای عرفانی می‌گردد.

ابن عربی در فتوحات مکیه باب صبر (۱۲۴) می‌گوید:

«... پس صبر نگهداری نفس از شکوه و شکایت به خدا در رفع بلا و یا دفع آن نمی‌باشد، بلکه صبر عبارت است از نگهداری نفس از شکوه و شکایت به غیرخدا و سکون و آرامش یافتن به آن» (ابن عربی، ۱۴۲۰: ۴/۸۵).

سپس ادامه می‌دهد که خداوند دوست دارد بنده‌اش درخواست رفع اذیت و آزاری را که بدو رسیده نماید با اینکه حق تعالی می‌توانست اذیت و آزار را نیافریند. پس خیری در این اذیت و آزار نهفته است. حق تعالی دوست دارد بنده‌اش با او گفتگو کند و درخواست نماید و به سوال و جواب بپردازد تا حقیقت بر او روشن شود. ابن عربی صابر نمی‌داند کسی را که بلائی بدو رسیده و تحمل می‌کند و از خداوند رفع بلا را نمی‌خواهد و یا هر چیز دیگری را و زبان حال‌وقال را فروبسته و به گمان خود، این تحمل همان صبر است. صابر باید شاکی باشد، اما نه به خلق بلکه به خداوند. چون خداوند مقصودش از بلا و رنج پختگی و انابه مخلوق است و نه زجر و تحمل. (همان: ۲۱۳)

خود بنده نیز بدین مبتلا بودم و کسان زیادی را دیدم که از انابه و مکالمه و رازونیز و مجادله با خدا سرباز می‌زنند و آنچه بر قلبشان رسیده را وحی منزل لایتغیر می‌دانند و به گمان خود سر تسلیم فرومی‌آورند اما در غفلت‌اند. پس از مدتی فقط تخیل و گمان موهوم اینهاست که همراهشان است و دیگری رابطه‌ای با حق تعالی نیست و خیال می‌کنند که صابرانند و اطاعت‌کنندگان فرامین الهی با اینکه رشته بین ایشان و او قطع شده و عجز و لابه و انابه‌ای دیده نمی‌شود. چه بسا گناهکاری که به درگاه خدا روی آورده بسیار ارجمندتر از کسی است که گمان می‌کند فرامین الهی را گردن نهاده اما قلبش از مناجات و شکایت و مجادله با حق تعالی تهی است و این مکر خفی است که حق تعالی با بندگان خود می‌کند. بندگان که حجابی بر قلبشان است که گمان می‌کنند همین انجام ظاهر فرامین و صبر بر بلا یا (عدم شکایت به خلق)، همان اتصال و مایه خوشنودی و عین صبر است (همان: ۵۹)

مقام توبه

«توبه در لغت به معنی پشیمانی و بازگشت از نافرمانی و بازآمدن به راه راست است و در اصطلاح صوفیان بیداری روح است از بی‌خبری و غفلت که مبدأ تحول و سرمنشأ تغییر راه زندگی طالب است.» (رجائی‌بخارایی، ۱۳۶۰: ۶۰) اولین منزل از منازل ارتباط و سیروسلوک انسان به سوی خداوند و انس با آن، «توبه» است؛ در شرع اسلام، توبه، بازگشتن از نکوهیده به پسندیده است. (قشیری، ۱۳۸۸: ۱۳۷) اولین کار در توبه بیداری دل انسان است از احوال بدی که بر وی وارد می‌شود؛ این کار به توفیق خداوند انجام می‌گردد. (همان: ۱۳۸) ارادت و دوستی با خدا، بدون توبه، ورود به میدان «غفلت» است. (همان: ۶۴) البته توبه مراتبی دارد که با توجه به نیت توبه‌کننده مراتب آن متمایز می‌شود: «هرکه توبه کند از بیم عقوبت او صاحب توبه بود و هرکه توبه کند به طمع ثواب، صاحب انابت و هرکه توبه کند مراعات امر را نه از بیم عقوبت و نه طمع ثواب صاحب توبت بود.» (همان: ۱۴۱) در توبه انسان باید علاقه‌ها را از خود دور سازد؛ ابتدا باید از مال بیرون‌آید؛ که مال انسان را از خدا باز می‌دارد؛ بعد از آن باید از دیدن جاه و مقام خود بیرون‌آید که در این حالت قبول ردّ خلق برای انسان یکسان می‌شود؛ سپس باید با طهارت باشد و جز بر غلبه خواب نخسبد و از طعام به تدریج کم کند (همان: ۷۳۰).

«توبه یکی از این موضوعات مهم و مشترک میان علوم قرآنی، حقوق، کلام، اخلاق و عرفان اسلامی است و در هر کدام نگاه اصلاحی و سعادت‌مندانه برای بشر، بر آن اساس بنا شده و از جنبه مثبت و ارزشی به آن پرداخته شده و یک امتیاز ویژه در مکتب اسلام به‌شمار رفته است» (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳۴)

توبه، اولین مقام سلوک عرفانی و به تعبیری باب‌الابواب است، اولین مرتبه قرب است. توبه بر دو نوع است: توبه عوام و توبه خواص و توبه عوام بر سه اصل استوار است: اول پشیمانی از کار گذشته، دوم رجوع به خداوند توبه‌پذیر و سوم تصمیم بر ترک معاصی. و توبه خواص آن است که از خودخواهی‌ها و آرایش و لغزش در راه سلوک، به خداوند پناه ببرد. در تمام متون عرفانی «توبه» شروع کار و فصل آغازین هر حرکتی است. مثلاً درصد میدان که از امالی خواجه‌عبدالله انصاری است، توبه میدان اول است و او توبه را بر سه قسم کرده است: توبه مطیع، توبه عاصی، توبه عارف (انصاری، ۱۳۵۸: ۱۷ - ۱۸). اساس جمله مقامات و مفتاح جمیع خیرات و اصل همه منازل و معاملات قلبی و قالبی توبه است (کاشانی، ۱۳۸۲، ۳۶۶). با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت توبه یکی از مباحث مهم در عرفان عملی و مقامات العارفین است. «از آثار ارزشمند آنان چنین یه‌دست می‌آید که تقریباً همه آن‌ها توبه را از مهمترین مقام‌های سالک راه حق می‌دانسته‌اند. به عنوان نمونه در آثار مختلف پیر هرات از کشف‌الاسرار گرفته، منازل‌السائرین و صد میدان و... این مطلب با اهمیت خاصی طرح شده - است» (ابن عربی، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۳۹). در فضیلت توبه همین بس که توبه‌کننده محبوب خداوند است:

«إن الله يحب التوابين ويحب المتطهرين» (بقره: ۲۲۲) و پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید: «ليس شيء أحب إلى الله من مؤمن تائب أو مؤمنة تائبة» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/ ۶: ۲۱).

از نشانه‌های اهمیت توبه، تاریخ دیرینه آن است؛ زندگی آدم ابوالبشر (بقره: ۳۷) در این ناسوت خاکی با آن آغاز می‌شود، پیام‌آوران بزرگی همانند ابراهیم، اسماعیل «وَأرنا مناسکنا وتب علینا إنک أنت التواب الرحیم» (بقره: ۱۲۸)، یونس «وذالنون إذ ذهب مغاضباً فظن أن لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات الا إله إلا أنت سبحانک انی کنت من الظالمین» (انبیا: ۸۷ و ۸۸)، موسی «فلما أفاق قال سبحانک تبتُ إلیک وأنا أول المؤمنین» (اعراف: ۱۴۳) و پیامبر بزرگ اسلام (ص) همواره در حال توبه و در طلب توبه الهی بوده‌اند (نصر: ۳).

«از دیدگاه قرآن هم که بی‌گمان مهمترین منابع عرفان است، ده‌ها آیه به این امر خطیر اختصاص داده شده‌است، واژه «توبه» و مشتقاتش نود و دو بار و «استغفار» و مشتقات آن چهل و پنج مرتبه در کتاب خدای عزوجل به‌کاررفته‌است. افزون‌بر اینکه در آیات متعدد و مختلف دیگر هم بدون ذکر از این واژه‌ها این مسئله مطرح شده‌است. مفسران کتاب خدا نیز با عنایتی خاص به شرح و بسط و تفصیل معنای این واژه کوتاه اما پر محتوا پرداخته‌اند؛ تأملی اندک در تفاسیر شیعه و سنی به‌ویژه تفاسیر عرفانی به روشنی این واقعیت را نشان می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۲۴۴). عموم لغت‌شناسان «توبه» را به معنی «رجوع» دانسته‌اند، اما دسته‌ای از آنان، آن را به معنی «مطلق رجوع» و گروهی دیگر به معنی رجوع مقید (بازگشت از گناه) تعبیر کرده‌اند، مرحوم طبرسی نیز در ذیل آیه ۳۷ بقره، توبه را به «رجوع از عمل گذشته» معنی کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۸۸). اما برای توبه، در اصطلاح، معانی متعددی بیان شده‌است. متکلمان، فقیهان، عالمان اخلاق، عارفان، محدثان، هر دسته به‌نوبه خود سخن فراوان در این‌باره گفته‌اند و به‌طور کلی و فشرده می‌توان سخنان آنان را چنین سامان داد: (۱) توبه، به معنی پشیمانی است، (۲) توبه، به معنی پشیمانی و تصمیم بر انجام‌دادن آن گناه، در آینده است، (۳) توبه، به معنی رجوع و بازگشت از نافرمانی و دوری از خدا به‌سوی قرب و اطاعت خداوند است و (۴) توبه به معنی سه امری است که بریکدیگر مترتب می‌شود و برپایه رابطه علی و معلولی در پی هم می‌آید.

توبه از دیدگاه بانو امین و ابن عربی

بانو امین درباره مقام توبه ذیل تفسیر آیه شریفه «إن الله يحب التوابين ويحب المتطهرين» (بقره: ۲۲۲) چنین گفته‌است «نجاسات باطنی که در اثر معصیت و نافرمانی پدید می‌آید بایستی به آب توبه و ندامت و رجوع به‌سوی حق تعالی خانه دل و قلب را شستشود تا اینکه پس از پاک‌شدن محل نفوذ و اشراق نور معرفت گردد «توابین و متطهرین» هر دو صیغه مبالغه است یعنی خداوند دوست-می‌دارد کسانی را که بسیار توبه می‌کنند و ظاهر و باطن خود را از نجاسات صوری و معنوی پاکیزه می‌گردانند و بسیار در مقام تطهیر ظاهر و باطن خود برمی‌آیند» (امین، ۱۳۶۱: ۲/ ۱۸۸).

با دقت در این سطور می‌توان گفت که بانو امین درباب مقام توبه نیز عقیده دارد که این امر نیز باید در عمل خود را نشان دهد و همچنین از سخنان وی چنین برداشت می‌شود که وی توبه را هم‌ردیف ایمان می‌داند و عدم توبه را با کفر برابر می‌داند. این نظرات و تحلیل‌های وی بیانگر گرایش وی به عرفان عملی است و عقاید عرفانی راسخ وی را به تصویر می‌کشد؛ به این صورت که می‌توان گفت بانو امین معتقد است که توبه نیز درحقیقت نوعی بیداری دل از غفلت و تنفر عارف نسبت به اعمال و احوال زشت و ناپسند و متمایل شدن او به سوی امور زیبا و پسندیده است.

ابن عربی معتقد است که ماهیت و حقیقت توبه-همانند دیگر مقامات- برای انسان قابل شناخت نیست؛ تعریف حدی و رسمی آن را فقط خدای تعالی می‌داند. سخنانی که عارفان و زاهدان در این باره گفته‌اند بیانگر تجربه و ذوق و حال هریک بوده است. زیرا مقامات هیچ فایده‌ای ندارد جز اثری که در سالک به‌جای می‌گذارد. به تعبیر دیگر مقامات ذاتا مطلوب نیستند؛ بلکه فقط به سبب تأثیری که بر سالک می‌گذارند با ارزش و مطلوب‌اند (ابن عربی، ۱۴۲۰: ۳/۲۱۴).

ابن عربی معتقد است توبه‌ای که از ما طلب شده، همان توبه‌ای است که آدم (ع) انجام داده- است. (همان: ۳/۲۱۲).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

سیده نصرت بیگم امین معروف به بانو امین از علمای شیعی معاصر در تفسیری که از قرآن کریم ارائه داد و با نام «مخزن العرفان» به چاپ رساند، به ارائه دیدگاه‌های عرفانی خود پرداخت و برخی مقامات عرفانی را به خوبی تبیین نمود. به عنوان نمونه در مورد مقام «توکل» بر جنبه عملی آن تأکید دارد و معتقد است توکل باید در عمل خود را نشان دهد نه اینکه از حدّ زبان فراتر نرود. همچنین پیرامون صبر معتقد است صبر کردن در سختی‌ها است که ارزش دارد. در زمینه توبه نیز عقیده دارد که توبه و ایمان در یک ردیف هستند و عدم توبه به معنای عدم ایمان می‌باشد. به طور کلی می‌توان گفت بانو امین توکل عملی، صبر بر سختی‌ها و توبه حقیقی را شرط ورود به میدان عرفان می‌داند و تا فرد مزین به این سه نشود، نمی‌توان گفت آمادگی ورود به وادی عرفان را دارد.

توکل مانند توحید واجد دو جنبه سلب و ایجاب است. وجه ایجابی آن رو به خدا دارد و عبارت است از بسنده کردن به خدا و کارسازی او در هر وضع و حالی است و به گفته ابن عربی اعتماد بی-اضطراب به خداوند به هنگام فقدان اسباب و علل دنیوی و تنها از خدا (روزی) گرفتن اما وجه سلبی به توکل مربوط می‌شود.

ابن عربی صابر نمی‌داند کسی را که بلایی بدو رسیده و تحمل می‌کند و از خداوند رفع بلا نمی-خواهد و زبان را فرو بسته و به گمان خود، این تحمل همان صبر است. صابر باید شاکی باشد، اما نه به خلق بلکه به خداوند.

ابن عربی معتقد است که ماهیت و حقیقت توبه برای انسان قابل شناخت نیست؛ تعریف حدی و رسمی آن را فقط خدای تعالی می‌داند. سخنان عارفان و زاهدان در این باره تنها بیانگر تجربه و ذوق و حال هریک بوده است.

منابع و مأخذ

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) ابن عربی، محی‌الدین، (۱۴۲۰ق)، الفتوحات المکیه، تحقیق: عثمان یحیی و ابراهیم مدکور، قاهره: دارالعربییه.
- (۳) ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸هـ)، لسان العرب، تعلیق و وضع الفهارس: علی شیری، الطبعة الأولى، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۴) استیس، والتر ترنس، (۱۳۷۵ ش)، عرفان و فلسفه، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: سروش.
- (۵) اسدی‌گرمارودی، محمد و بابک عزیززی، (۱۳۹۰ش)، «تیین مراتب انسان کامل در اندیشه عرفانی عزیزالدین نسفی»، پژوهشنامه عرفان، دوره ۲، ش ۴، صص ۱۴ - ۱.
- (۶) اسلامیت، مرضیه، (۱۳۸۹ش). بانو امین و تفسیر مخزن‌العرفان، تهران: خانه کتاب.
- (۷) امین، نصرت‌بیگم، (۱۳۶۱ش)، مخزن‌العرفان در تفسیر قرآن، تهران انتشارات نهضت زنان مسلمان.
- (۸) انصاری، قاسم، (۱۳۵۸ش). صد میدان، تهران: کتابخانه طهوری.
- (۹) حجازی، علا‌الدین، (۱۳۷۵ش)، صبر جمیل، مشهد: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی.
- (۱۰) دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- (۱۱) رجائی‌بخارایی، احمدعلی، (۱۳۶۰)، فرهنگ اشعار حافظ، شرح مصطلحات صوفیه در دیوان حافظ، چاپ سوم، تهران: زوار.
- (۱۲) رضایی، محمدجلیل و جواد پنجه‌پور و هرمز اسدی‌کوه‌آباد، (۱۳۹۶)، تحلیل و تبیین فقهی، حقوقی و عرفانی توبه در اسلام، فصلنامه عرفان اسلامی واحد زنجان، دوره ۱۴، ش ۵، صص ۳۵۰ - ۳۳۳.
- (۱۳) سجادی، سیدجعفر، (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ سوم، تهران: طهوری.
- (۱۴) سعیدی، گل‌بابا، (۱۳۸۳ش)، فرهنگ اصطلاحات عرفانی ابن عربی، تهران، نشر شفیعی.

- ۱۵) سید موسوی، سید حسین، (۱۳۹۴)، نامه ابن عربی به امام فخر رازی، فصلنامه عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، دوره ۱۳، شماره ۵۰، پیاپی ۵۰، صص ۱۴۶ - ۱۲۷.
- ۱۶) شاهرودی، عبدالوهاب، (۱۳۸۳)، ارغنون آسمانی؛ جستاری در قرآن، عرفان و تفاسیر عرفانی. رشت: کتاب مبین.
- ۱۷) طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- ۱۸) طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه و نگارش از احمد بهشتی؛ تصحیح موسوی دامغانی، تهران: فراهانی.
- ۱۹) کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۸۲)، مصباح الهدایه و مصباح الکفایه، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: کتابخانه سنائی.
- ۲۰) قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوزن، (۱۳۸۸)، رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، چاپ دهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲۱) مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۲۲) مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- ۲۳) معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۰) تفسیر و مفسران، قم: تمهید.
- ۲۴) هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، (۱۳۸۳)، کشف المحجوب، تصحیح و تعلیق محمود عابدی، چاپ دوم، تهران: سروش.
- ۲۵) یثربی، سیدیحیی (۱۳۶۸)، عرفان نظری، چاپ سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.



Analysis of Three mystical positions: Tavakol, Sabr and Tobah (Based
on The interpretation of Makhzan Al- Irfan of Banu Amin and Al-Futuhah
(Al-Makkiyah of Ibn Al-Arabi

Nancy Saki

Assistant Professor, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran,

*Corresponding Author. n.saki@scu.ac

Abstract

Mysticism literally means knowing and knowing after ignorance, recognition, awareness and wisdom, and as a term it means knowing God and His loving worship and finding the path of it. Among the interpretations of The Holy Quran, we come across some works in which the commentator has a mystical perspective and approach to interpret the verses of The Holy Quran. One of these commentators is Seyyedeh Nusrat Beigom Amin, who paid attention to mystical aspects of interpreting The Holy Quran. In the present article, an attempt has been made to study the mystical views of Banu Amin and Ibn Al-Arabi about the three mystical positions of Tavakol(trust), Sabr(Patience), Tobah(Repentance) by descriptive-analytical method and using library resources, especially works in the field of mysticism and interpretation of The Holy Quran. Paying attention to patience and repentance in the Holy Quran leads to the mystical aspect and makes their characteristics more apparent. After examining her views, it was concluded that Banu Amin is very concerned with practical reliance, patience on hardships and repentance in the direction of faith, so she suggests a mystical interpretation of the verses related to these concepts. Ibn Al-Arabi, as the founder of theoretical mysticism, emphasizes more on the negative and positive issues of these three mystical terms

Keywords:

Ibn Al-Arabi, Banu Amin, Tavakol, Sabr, Tobah, mysticism, Holy
.Quran

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی